



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۲۲

فیصل محمدی

پاکستان - افغانستان و حربہ سیاسی اسلام

بخش دوم

همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم نقش اسلام بعنوان ابزار سیاسی در مرحله بعد از تقسیم هند تضعیف گردید زیرا نظریه دو ملت (مسلمان و هندو) و تشکیل هویت اسلامی واحد ابزاری بود جهت تاسیس کشور بنام پاکستان که دیگر مورد علاقه سیاسیون و سیستم حاکم نبود و نه تطبیق شریعت و توسعه اجتماعی و انسانی در اولویت رهبران این کشور قرار داشت چون سیستم حاکم مطابق استراتژی امنیتی؛ سیاست پاکستان را جهت مقابله با تهدیدات خارجی که از جانب هندوستان و افغانستان احساس میشد ترتیب و تنظیم مینمود به همین دلیل با گذشت هر روز حربہ سیاسی اسلام اهمیت خود را در پیشبرد سیاست داخلی پاکستان از دست میداد بخصوص زمانیکه در ۱۱ اگست ۱۹۴۷ قانداظم محمد علی جناح طی نطق خطاب به مردم پاکستان اظهار داشت که (دین یک مسئله خصوصی و فردی است و معتقدین همه ادیان از حقوق مساوی برخوردار اند و با مرور زمان کلیه تفاوت ها و تضاد ها ذات البینی از قبیل اکثریت و اقلیت در جامعه پاکستان از بین خواهد رفت شما ملت آزادی هستید و میتوانید به معابد ؛ مساجد با هر مکان دیگری جهت عبادت رفته و به هر دین، آیین و قومی میتوانید متعلق باشید اعتقادات شما هیچ ارتباطی با امورات و سیاست های دولت ندارد شما خواهید دید که به گذشت زمان از نظر اعتقادی هندوها هندو نخواهند بود و مسلمانان مسلمان نخواهند ماند زیرا ایمان موضوع شخصی هر فرد بوده و از نظر سیاسی همه ساکنین پاکستان اتباع یک کشور واحد اند). چنین اظهارات محمد علی جناح باعث عصبانیت گروه های افراطی مذهبی شد و در مارچ ۱۹۴۹ ایشان طی قطعنامه متقاضی تدوین قانون اساسی اسلامی از طرف مجلس مؤسسان گردیدند و تقاضای معترضین در ۲۳ مارچ ۱۹۵۶ بعد از تصویب اولین قانون اساسی پاکستان تحقق یافت که طبق آن نوع نظام در پاکستان جمهوری اسلامی پارلمانی بر اساس اصول دموکراتیک با ریس جمهوری مسلمان تعیین و تثبیت گردید اما قانون اساسی ۱۹۵۶ به علت بی ثباتی های سیاسی و کودتا های نظامی هرگز به مرحله اجرا درنیامد و بعد از مدت کوتاهی ملغاً گردید بار دوم در دوره ریاست جمهوری ایوب خان در اول مارچ ۱۹۶۲ قانون اساسی جدید با خصوصیات اسلامی تدوین شده اما طبق تقاضای نخبگان پاکستان به شمول ایوب خان صفت اسلامی از پهلوی کلمه جمهوری حذف گردید لیکن در اثر اعتراضات اسلامیت ها صفت اسلامی ذریعہ اصلاحیه بی دوباره ضم جمهوری گردیده و مطابق سنت اسلامی بر قوت قوه مجریه و تاسیس یک شورای اسلامی تاکید بعمل آمد و به دولت توصیه گردید تا اتباع پاکستان را به رعایت اصول اسلامی در کلیه شعون زنده گی تشویق و ترغیب نمایند.

قانون اساسی جدید تضاد و تقابل بین سیستم حاکم و اسلامیت های ساکن در خیبرپختونخوا را به صورت مطلق حل نتوانست اما قانون مذکور نقش گروه های افراطی را تا حدی زیاد تضعیف کرد چون گروه ها و احزاب افراطی دینی در پاکستان که اکثر نماینده گی از مناطق قبایلی و سرحدی مینمایند سعی داشتند تا با کسب نهاد ستره محکمه پاکستان نقش مشورتی شانرا با تعیین و تثبیت ماهیت اسلامی و یا غیر اسلامی قوانین و مقررات تا سطح اجرایی ارتقا بخشند اما از آنجاییکه سیستم حاکم در پاکستان در دست سکولرها قرار دارد و صرف در مواقع خاص از اسلام بعنوان حربہ سیاسی جهت تحقق اهداف مشخص استفاده مینمایند بنا نقش و اهمیت علمای دینی را در نظام کافی دانسته و تزید آن را استبدادی دینی پنداشتند و از دادن سهم بیشتر به علما در نظام اجتناب ورزیدند و برای متعادل کردن هر چه بیشتر قانون اساسی بخش های چون حقوق اساسی ، حقوق مدنی و حقوق تابعیت را با خصوصیات مدرن و سکولار تدوین نموده تا تعادل بین اسلامیزم و سکولریزم در بین احزاب سیاسی و نظامیان جهت اداره و مدیریت امور داخلی و

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

خارجی کشور حفظ شود. در یک اقدام مشابه دیگر در سال ۱۹۶۵ سیستم سیکولر حاکم در پاکستان جهت جلوگیری از استبداد دینی و تضعیف افراطیت پنج حزب سیاسی به شمول احزاب مذهبی را در یک تصمیم سیاسی خلاف سنت دینی در حمایت از کاندیداتوری فاطمه جناح خواهر قاید اعظم مشهور به مادر ملت قرار دادند در حالیکه اصول دینی صرف از قرار گرفتن یک مرد در راس قدرت حمایت میکند اما پنج حزب سیاسی تصمیم شانرا چنین توجیه نمودند (علی الرغم عدم مطابقت این اقدام با اصول دینی جهت جلوگیری از ادامه دیکتاتوری ایوب خان که گناه به مراتب بزرگتر در شریعت است ما از کاندیداتوری یک زن حمایت میکنیم) بدین ترتیب سیستم حاکم در پاکستان توانست با ایجاد اتحاد در بین احزاب سیاسی انتخابات سال ۱۹۶۵ را در حمایت از رای مردم جهت تضعیف افراطیت دینی و ناکامی گروه های مذهبی در داخل پاکستان مورد استفاده قرار دهند چون در جمهوری اسلامی پاکستان همیشه این روند انتخابات است که از قرار گرفتن علما در راس قدرت جلوگیری میکند. به همین ترتیب جدایی بخش های شرقی پاکستان در سال ۱۹۸۳ بر اساس هویت قومی و زبانی علی الرغم مخالفت گروه های مذهبی حاکم در خیبر پختونخوا و بلوچستان با تقاضای بنگالی ها جهت تاسیس کشور مستقل و دموکراتیک نقش رو به افول اسلام ابزاری را بعد از تاسیس پاکستان نسبت به هر وقت دیگر ثابت مینمود.

جمهوری اسلامی پاکستان از همان روز اول تاسیس خود سعی داشت تا مثل سایر ممالک اسلامی بخصوص مدل ترکیه و اندونیزیا نقش دین را در حد حربه سیاسی حفظ نماید چون اعتقاد به هویت اسلامی و رعایت اصول و ارزش های دینی میتوانست موانع جدی را در عرصه سیاست خارجی و برقرار روابط با ممالک دموکراتیک جهان ایجاد نماید و هم باعث تضاد و تقابل با پیروان سایر ادیان و مذاهب ساکن در پاکستان گردد بنا سیستم حاکم با حفظ سیکولریزم؛ یکده از احزاب؛ گروه ها و نهاد های افراطی دینی را در ایالات بلوچستان و خیبر پختونخوا جهت تحقق مقاصد خاص منحصی حربه سیاسی حفظ و مورد حمایت و نوازش قرار میدهند زیرا در جریان جنگ سرد علاوه بر موقعیت جیوپولتیک پاکستان؛ داشتن نهاد های دموکراتیک چون احزاب سیاسی؛ پارلمان و سیستم انتخابی باعث تزیید اهمیت این کشور در مقابل وسعت هژمونی بلاک شرق و انتشار ایدئولوژی کمونیزم گردید و این سیاسیون سیکولر پاکستان بودند که با استفاده از رقابت و رفاقت (شرق و غرب) بهترین فرصت استراتژیک و بیشترین امتیازات اقتصادی و نظامی را برای پاکستان کسب نمودند چنانکه بعد از ارایه طرح تاسیس پیمانهای (ناتو، سیتو و سنتو) در ماه می ۱۹۵۳ از سوی جان فاستر دالس، وزیر خارجه وقت آمریکا جهت جلوگیری از انتشار کمونیزم؛ سیاسیون پاکستان با عجله بالترتیب در سال ۱۹۵۴ و

۱۹۵۵ عضویت دو سازمان ضد کمونیستی تحت حمایت امریکا (سیتو و سنتو) را بدست آوردند که سپس پیمان های مذکور در سال ۱۹۵۶ نه تنها خط دیورند را بعنوان سرحد بین المللی بین پاکستان و افغانستان به رسمیت شناخته بلکه جمهوری اسلامی پاکستان را در صف ممالک متحد غرب نیز قرار داد تا جایکه ریس جمهور ایزنهاور پاکستان را مهم ترین متحد امریکا در اسیا اعلان نمود.

نقش اسلام در پاکستان زمانی دوباره بحیث حربه سیاسی از سوی سیستم حاکم حایز اهمیت گردانیده شد که رقابت بین بلاک شرق و غرب شدد گرفت و هر یک از قطب های جنگ سرد در سدد تزیید متحدین ایدئولوژیک خود شدند بخصوص سعی و تلاش اتحاد جماهیر شوروی برای وسعت هژمونی به سمت جنوب اسیا و بحر هند باعث شد تا پاکستان نسبت به هر وقت دیگر در بهترین موقف سیاسی؛ اقتصادی و نظامی قرار گیرد سیاسیون پاکستان با تلفیق سکولریزم غربی و اسلام ابزاری علاوه بر اینکه از جانب ممالک مسلمان بخصوص جهان عرب بعنوان خط مقدم جهاد علیه (کفر سرخ) شناخته شد از طرف بلاک غرب (ناتو) نیز بحیث سنگر قوی در مقابل رشد کمونیزم به سمت جنوب اسیا معرفی گردید رهبران پاکستان با درک درست از نظم جهانی وقت توانستند با حمایت غرب به رهبری ایالات متحده و ممالک مسلمان تحت زعامت عربستان سعودی پاکستان را به مهمترین و نیرومندترین قدرت منطقه ای تبدیل سازند حتی بمب اتوم نیز در همین مقطع زمانی به علت مهم بودن نقش پاکستان در مقابله با خطر کمونیزم در سکوت مطلق غرب و بخصوص ایالات متحده امریکا ساخته شد.

حربه اسلام در دوره ضیالالحق نه تنها در داخل جهت مشروعیت بخشی به رژیم کودتایی مورد استفاده قرار گرفت بلکه در خارج نیز پاکستان با سرمایه گذاری های بزرگ بالای اسلام ابزاری و افراطیت انرا بعنوان بهترین وسیله جهت تحقق اهداف سیاسی علیه دشمنان خارجی خویش استعمال نمود چنانکه در اولین اقدام سیاسی در سال ۱۹۸۰ پاکستان (محکمه فدرال شریعت) را تاسیس و قدرت تقنین را عملا به روحانیون افراطی غیر منتخب انتقال داد دستورالعمل جزایی حدود را اجرایی ساخته و تعداد مدارس دینی را که قبلا به ۸۹۳ باب میرسید در جریان سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ به ۲۹۰۰ باب ارتقا بخشید که اکثریت این مدارس متعلق به مکتب فکری دیوبند و تحت حمایت همه جانبه سازمان استخبارات پاکستان قرار داشت از جمله دارالعلوم حقانیه که به عنوان "پوهنتون جهاد" نیز شناخته میشد نهاد دینی که در محراق توجه ای اس ای قرار داشت و برای تولید و صدور ایدئولوژی افراطی برای افغانستان و منطقه تاسیس شده بود و بسیاری از اعضای تنظیم های هفت گانه و اکثریت مطلق اعضای طالبان به شمول رهبران

این گرو تولیدات همین نهاد دینی استخبارتی استند مساجد پاکستان نیز در جریان سالهای ۱۹۸۰ طی یک دهه به تدریج تحت کنترل مستقیم علمای دارالعلوم حقانیه که عضویت سازمان (ای اس ای) را داشتند درآمد علمای مذکور با تدوین سیاست داخلی و خارجی پاکستان عملاً به بازیگران مهم در عرصه سیاست پاکستان مبدل شدند سپاه صحابه ؛ لشکر جنگوی ؛ تنظیم های جهادی افغانی و ده ها گرو افراطی دیگر ذریعه استخبارات پاکستان تاسیس و امکان فعالیت ازادانه را در داخل و خارج پیدا نمودند و زمینه ورود اسامه بن لادن و هزاران افراطی بی وطن دیگر از ممالک عربی نیز در همین موقع به پاکستان مساعد ساخته شد که بعداً گرو های مذکور اساس و بنیاد (جهاد جهانی) را برای جنگ های آینده مذهبی در منطقه و جهان گذاشتند.

تاسیس هزاران مدرسه دینی لشکر بزرگ از افراطیون بی وطن را در پاکستان شکل داد نیروی مخرب که جهت تحقق اهداف سیاسی وقت پاکستان زیر نام جهاد علیه دو کشور تحت حمایت اتحاد شوروی در شرق و غرب پاکستان (کشمیر هندوستان و افغانستان تحت اشغال) به کمک مالی و نظامی ایالات متحده امریکا و عربستان سعودی تسلیح ؛ تجهیز و روانه جنگ میشدند همکاری استراتژیک رژیم نظامی پاکستان با غرب توجه جهانی را به این کشور معطوف و نقش پاکستان را در جنگ سرد نسبت به هر وقت دیگر مهم ساخت اهمیت جنگ علیه کمونیسم نزد پیمان ناتو و غرب به حدی جدی بود که به عواقب وحشتناک رشد تروریسم و افراطیت توجه نداشتند همانطوریکه پرژنیسکی مشاور امنیت ملی جیمی کارتر در مقابل سوال هفته نامه (له نوول ابسرواتور) در جنوری ۱۹۹۸ که از وی پرسید (ایا شما بخاطر حمایت ؛ تعلیم و تجهیز افراطیت که امروز باعث ایجاد تروریسم گردیده متأسف استید ؟) چنین جواب ارایه نمود (چه چیزی در تاریخ مهمتر است ؟ وجود طالبان یا فروپاشی شوروی ؟ ظهور و شکل گیری یک تعداد مسلمانان هیجانی و عصبی و یا آزادی اروپای مرکزی از سلطه اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد ؟) مطابق چنین سیاست های ابزاری غرب و پاکستان بود که جریان ورود اسلحه ، نیروهای بی وطن و تبلیغات مذهبی نسبت به هر وقت دیگر تزیید یافته و افراطیت مذهبی و تروریسم به تشکیلات بدون کنترل تبدیل و به سرعت به سایر نقاط جهان در حال پخش و نشر بود مدارس دینی در کویته و پشاور علاوه بر جلب و جذب عساکر برای جبهه افغانستان و کشمیر به مراکز تعلیم و تربیه افراطیت جهت صدور ایدیالوژی به ممالک آسیا میانه ، چین ؛ بوسنی ؛ میانمار ؛ فلپین و سایر نقاط جهان مبدل گردید چنانکه جنرال ضیاالحق در مصاحبه که به نویسنده معروف امریکایی (سلیگ هرینسن) داشت اعتراف نمود که بعد از سقوط اداره دست نشانده کابل در حمایت از مجاهدین جهت تحقق اهداف شان در ممالک آسیا میانه نیز سعی و تلاش خواهد نمود.

ادامه دارد...